

بازخوانی صحبت‌های دکتر حسین کچویان در برنامه «جهان آرا» / قسمت دوم

# اغتشاش داعشی!

برنامه «جهان آرا» یکی از برنامه‌های پربیننده شبکه افق سیما است که به موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. دریگی از این مجموعه برنامه‌ها که درباره اتفاقات اخیر برگزار شد، دکتر حسین کچویان استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران حاضر شد و به طرح نکات و مباحثی درباره مسائل روز جامعه پرداخت. بخش دوم متن این گفت‌وگو از نظر شما خواهد گذشت.

دکتر حسین کچویان: «در این گفت‌وگو به موضوعات مختلفی پرداخته‌ام که به نظر شما خواهد گذشت.»

اولین شورش‌های فقر در سال‌های ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی اتفاق افتاد. ۲۰ شهر قیام کردند.

اسلامشهر، مشهد، قزوین و... کشته هم دادیم. البته در دوران جنگ هم اتفاقاتی در محله افسریه تهران افتاد، اما کوچک بود. با این فضایی که ایشان ساخت، ۷۶ اتفاق افتاد. اینجا آن نثار و شکافتی که اتفاق افتاده بود، خودش را باز کرد. البته از قبل، به لحظات ایدئولوژیکی، تجزیه‌طلبی در مجموعه کبان شروع شده بود.

دوم خرداد ۷۶، پاسخی به اتفاقات هشت سال سازندگی بود و روی همین پایه ساخته شد. همین آقای موسوی به من می‌گفت بستر این سیاست‌ها را آقای هاشمی ساخته است. این اتفاقات از اقتصاد درمی‌آید. پس نثار دوم هم گذاشته شد.

این اتفاقات اخیر، آخرین ظرفیت‌های براندازی نیروهایی است که از آن سال خواستند براندازی کنند. نقطه عطف این ماجرا دوم خرداد ۷۶ بود. در دوم خرداد، همه مردم از هاشمی و ناطق و راستی‌ها ناراحتند و به آقای خاتمی رأی دادند.

کجای عالم، رأی درون سیستمی را به رأی براندازاننده تعبیر می‌کنند که شما کردید. روزنامه‌های دو ماه بعد از دوم خرداد ۷۶ مصاحبه‌های بهزاد نبوی را بخوانید. ایشان از همانجا دنبال براندازی است؛ می‌گوید ما قدرت نداریم. ارتش و صداوسیما و نیروی انتظامی دست ما نیست. اینها باید دست ما باشد. اینها فکر می‌کردند با این حرف‌ها علما می‌آیند نظام را براندازی می‌کنند و مردم هم به آنها می‌پیوندند و قدرت این وسط به دست آنها می‌افتد. وقتی این اتفاق نیفتاد، به سمت تجدیدنظرطلبی رفتند. لایحه دوقلو دادند. طراحی‌های پیچیده کردند. طرف آدم فرستاد خودش را تئور کنند که تصویر نظام بیندازد. بخشی از اینها امتیازی بودند و اسناد محرمانه را در روزنامه سلام منتشر کردند. به کمک همین آقای تاجزاده که معاون وزیر کشور بود، در خوابگاه‌ها و این طرف و آن طرف شورش راه انداختند و تا دم بیت رهبری آنها را برندند و همین تاجزاده آنها را برگرداند. من دارم سیر رادیکالیسم را توضیح می‌دهم تا به ماهیت فعلی برسیم. اینها بعد از این اتفاق، در مجلس تخصص کردند و می‌خواستند

همه استانداران را به استعفا بکشاند که سیستم را زمین بزنند. هر جای دنیا این رفتار، کودتا و براندازی نام دارد. جوابش هم اعدام همه براندازان است، ولی رفت نظام اسلامی این کار را نکرد و البته از آنها هم ترسید. همان موقع حضرت آقا جلسه‌ای با اینها گذاشتند و یک نکته به آنها گفتند که مرزبندی نکنند. چون اینها می‌گفتند ما باید به زمان مشروطه برگردیم. اینها می‌گفتند مارکسیست‌ها هم باید در انتخابات شرکت کنند. مارکسیست‌ها بیایند که در سیستم اختلال ایجاد کنند. اینها عنودانه و متکبرانه گفتند مرزبندی نمی‌کنیم. در بازی‌های مختلفی راه انداختند و شکست خوردند.

■ **دفاع جانانه از عالیجناب سرخ‌پوش**
به سال ۸۴ رسیدیم. اعتقادی به حدود دیانتی نداشتند. همه بی‌دین و لقب عالیجناب سرخ‌پوش به او داده بودند، دفاع جانانه‌ای کردند. شکستی که در انتخابات سال ۸۴ خوردند، آنها را حسابی آتشی کرد. یعنی معلوم شد که امکان براندازی نیست. قبلیش هم گفتند انتخابات را تحریم می‌کنیم، اما می‌دانستیم که نمی‌کنند. چون کسی تحریم می‌کند که ظرفیت اجتماعی داشته باشد. در انتخابات شرکت کردند و شکست خوردند. روند رادیکالیسم را تشدید کردند تا به سال ۸۸ رسید. یعنی اینها سال ۸۸ را سال آخر دانستند و می‌خواستند کار سیستم را تمام کنند. هر جایی که آقا به حسب وظیفه و تکلیف از قانون اساسی دفاع می‌کردند، تمعد داشتند ایشان را بشکنند. اگر ایشان نبود، انتخابات اصلا ممکن نبود. به ایشان نامه

- چهارشنبه ۷ دی ۱۴۰۱
- سال بیست و هشتم
- شماره ۸۰۸۹

- چهارشنبه ۷ دی ۱۴۰۱
- سال بیست و هشتم
- شماره ۸۰۸۹



جریان کنونی اصلاً جنبش

نیست چون در کل این کشور، صد هزار نفر بیرون

آمده‌اند. شما به توثیت‌ها

نگاه نکنید. اندیشکده

استنفورد و مجموعه‌های

خودمان تحقیقاتی کرده‌اند

و به این نتیجه رسیده‌اند که

ابزار، دست پنتاگون است.

این تحقیق، آمار می‌دهد

که چقدر علیه روسیه و چین

عمل کرده‌اند. بعد می‌گوید

در دنیا سیصد و اندی

توثیتریست داریم. ظرف

چند روز در ایران، چهارصد

هزار نفر، ۱۱۷ میلیون توثیت

زده‌اند که اکثرشان بیرون

از ایران هستند. ایران، جزو

کمترین توثیترینویس‌هاست

■ **جریان کنونی اصلاً جنبش نیست**

جریان کنونی اصلاً جنبش نیست.

چون در کل این کشور، صد هزار نفر بیرون

آمده‌اند. شما به توثیت‌ها نگاه نکنید.

اندیشکده استنفورد و مجموعه‌های خودمان تحقیقاتی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ابزار، دست پنتاگون است. این تحقیق، آمار می‌دهد که چقدر علیه روسیه و چین عمل کرده‌اند. بعد می‌گوید در دنیا سیصد و اندی توثیتریست داریم. ظرف چند روز در ایران، چهارصد هزار نفر، ۱۱۷ میلیون توثیت زده‌اند که اکثرشان بیرون از ایران هستند. ایران، جزو کمترین توثیترینویس‌هاست. من از همه بالاخص از خانم‌ها و افراد صادقی که گول خوردند و با این آشوب همراه شدند، عذرخواهی می‌کنم. مگر شما ندیدید اینها در خیابان ایران لخت شدند و پلیس آنها

را جمع کرد؟ مگر آن مرد را ندیدید که می‌گوید به ما می‌گویند بی‌ناموس و ما هم می‌گوییم بی‌ناموسی چیز بدی نیست. ما می‌خواهیم بی‌ناموس باشیم. ترانه علیدوستی یا دیگری که در کن، همسرش را می‌بوسد و در جواب اعتراض می‌گوید همسرم بود. اینها می‌خواهند جامعه را ویران کنند. دنبال لخت شدن هستند.



فکر می‌کنند ساپورت از لخت شدن بهتر است، اما بدتر است. غرب با همین چیزها ویران شده است. اینها می‌گویند این روزها، دهاتی‌ها تظاهرات می‌کنند، در صورتی که هیچ دوربینی روی آنها نیست. اینها ساده عادی نیست. از عجایب است. من نمی‌دانم حکم‌های ما در این کشور چطور عمل می‌کنند. آنها که فاسدند، اگر به خاطر فسادشان می‌ترسند، بیرون بروند تا ترسند. ما می‌گوییم قانون را عمل کنید. این از اهداف و شعارهای‌شان پیداست که این اتفاقات، شورش مافیایی یا اغتشاش داعشی است. هر روز یک چیز گفتند. یک روز گفتند به خاطر مهسا، خواهرم را کشتند. بلافاصله به حکومت اعتراض کردند. درحالی‌که اعتراض باید متناسب با موقعیت باشد. اگر اعتراض شما واقعی است، باید بررسی مرگ مهسا امینی را بخواهید و بس.



قومیت‌ها می‌گویند چرا اینها اسلحه داشته باشند و ما نداشته باشیم. این همه مردم جهان در کشورهای مختلف، قومیت هستند. قومیت‌ها می‌گویند چرا حکومت اسلحه داشته باشد و ما نداشته باشیم؟ شما فقط می‌خواهید قومیت‌ها را به شورش علیه کشورشان تحریک کنید.

■ **رئیس‌جمهور سابق عمداً شرایطی به وجود آورد که مردم شورش کنند**

همه ظرفیت‌ها که از بین رفت، اینجا رسیدند. نیروهای پشت اینها، نیروهای این جامعه بودند. همه آنهایی که دوشنبه بعد از انتخابات سال ۸۸ به خیابان آمدند، مردم خوب این جامعه بودند، ولی شما را شناختند و رهاپتان کردند. فهمیدند شما چه کسانی هستید. ممکن است الان هم خیلی راضی نباشند، کما اینکه من هم ممکن است خیلی راضی نباشم. خیلی‌ها ناراضی هستند، اما اینها چون ظرفیت‌های‌شان را از دست داده‌اند، حمایت مردمی ندارند. بنابراین سراغ خشایه‌ای‌ترین لمین‌ترین، هزرتیز و ولگردترین آدم‌های این جامعه رفتند. از شیعیان بی‌مخ، بی‌مخ‌ترند. اینها در سال ۹۶ و ۹۸ هم تلاش کردند، اما موفق نشدند. البته از نظر من تمام سال‌های ۹۲ به بعد، خیانت محض است. عمداً شرایطی به وجود آوردند که مردم شورش کنند. در این سال‌ها مخالفت‌های اینها با اقدامات ما علیه داعش بسیار زیاد بود. اینها می‌خواستند داعش به ایران بیاید چون داعش، بخش خارجی داعش داخلی است. داعش همه جا را ویران کرد و خودشان گفته بودند ما شیعه را زنده نمی‌گذاریم، اما اینها می‌خواستند داعش زنده بماند. کلارک گفت: من به پنتاگون رفتم و مقامات پنتاگون به من گفتند ما قرار است این‌طور خاورمیانه را بگیریم و دفعه بعد گفتند می‌خواهیم هفت کشور را بگیریم. من خدمت شما بگویم اینها می‌خواستند ایران را بگیرند، چون اگر ایران را می‌گرفتند، همه این کشورها را گرفته بودند، اما نتوانستند. اینها آمدند ما را بگیرند، اما خداوند احمق‌شان کرد و اول به سراغ ما نیامدند. اول دورتادور ما را گرفتند و محاصره کردند، بعد که ما آنها را خسته کردیم، داعش را درست کردند. چرا عده‌ای گفتند نباید با داعش بجنگیم. داعش دارد سر می‌برد. فرض کنید ما هیچ علاقه‌ای به مردم عراق و سوریه نداریم. البته داریم چون شیعه هستند و جزئی از ما بوده‌اند، اما فرض را بگیریم که علاقه‌ای نداریم، اما داعش داشت

■ **نیروی دوم خرداد، تمام ظرفیت‌های اجتماعی حرکت مسالمت‌آمیز را از بین برد**

نیروی دوم خرداد تمام ظرفیت‌های اجتماعی حرکت مسالمت‌آمیز و درست را از بین برد. اینها امکان فضای سیاسی و مبارزات معقول را از بین بردند، شبیه کاری که منافقین در دهه شصت انجام دادند: در دو مقطع این اتفاق افتاد. یکی دهه شصت و یکی هم این حرکت‌ها. حزب کارگر از دهه هفتاد که جیمز کالجان شکست خورد تا دهه هفتاد، هشاد که جان میجر آمد، بیرون از حکومت بود، اما یک دفعه حرف‌های چرت و پرت نزد. چقدر تلاش سیستمی کرد که یکی از بندهای قدرت ملکه را بگیرد. در انتخابات امریکا هم این را دیدید. جرج بوش پسر با الگور رقابت کرد. الگور برنده بود، اما چون در شورای قانون اساسی فلوریدا، جمهوری‌خواه بودند، جرج بوش را پیروز کردند، اما الگور یک کلمه حرف نزد و پذیرفت. مشکل این بود که اینها از روز اول نخواستند بپذیرند که اینجا قانون اساسی دارد و این قانون اساسی این چیزها را گفته است. برنامه داشتند و می‌گفتند اگر ما نباشیم، فلان و بهمان می‌شود. در نامه‌هایی که تاجزاده و مخملباف به هم نوشتند و حرف‌هایی که حجازریان همین چند وقت پیش زد، حرف‌های عجیب و غریبی می‌گوید.

ادامه دارد

دکتر حسین کچویان: «در این گفت‌وگو به موضوعات مختلفی پرداخته‌ام که به نظر شما خواهد گذشت.»